

نشستی در حاشیه ی تئاتر "یک پرونده، دو قتل" با پرستو فروهر (افسانه پایدار، ۱۵ آبان ۱۳۸۸ - شهرزاد نیوز)

"داریوش فروهر 14 ضربه چاقو خورد و پروانه فروهر 28 ضربه. اولین بار در این دوران سهم بیشتری به زن داده می شد!"

این جملات بخشی از نمایشنامه ی تئاتر یک پرونده، دو قتل است که در روز شنبه ۳۱ اکتبر 2009 در فرانکفورت به روی صحنه رفت؛ کاری از گروه تئاتر "دریچه" که بر اساس نمایشنامه ای از نیلوفر بیضایی و کارگردانی وی تهیه گردیده و حاصل ماه های متمادی کار مشترک با پرستو فروهر، دختر فروهرها می باشد. این اثر به "تمام دگراندیشانی که چه در قتل های زنجیره ای، چه در قتل های مخالفان در خارج از کشور و چه در کشتارهای دهه ی شصت جان باخته اند و بازماندگان آنان..." تقدیم گردیده است.

پس از پایان نمایش، نشستی با حضور پرستو فروهر، نیلوفر بیضایی، هرمین عشقی (بازیگر) و دیگر بازیگران و دست اندرکاران برنامه برگزار شد.

پرستو فروهر در پاسخ به برخی از سوالات در مورد برگزاری مراسم سالگرد در ایران گفت، پنج سال است مراسم ممنوع شده است. در آن روز خیابان را می بندند و دم در می ایستند. هیچ کس حق ورود به منزل را ندارد، حتی اگر یکی از خود ما از منزل خارج شویم، دیگر اجازه ی ورود پیدا نمی کنیم. اصطلاحی که خودشان به کار می برند "قرنطینه" است.

ما مراسم را نمی خواهیم در بهشت زهرا و دور از شهر بگیریم. چرا که آن ها همین را می خواهند تا بتوانند راحت تر حمله کنند و مردم را بگیرند. در عین حال آن ها از مراسم مختاری و پوینده و دیگران نیز که بازماندگان شان می خواهند در بهشت زهرا برگزار کنند، جلوگیری می کنند.

پرونده بعد از دادگاه دیوان عالی کشور و تایید رای دادگاه اولیه مختومه اعلام شد و درخواست کتبی من و شکایتم از "دری نجف آبادی" که دستور قتل پدر و مادرم را صادر کرده، پذیرفته نشد. ناگفته نماند که پس از آن ماجرا وی به عنوان دادستان کل کشور ارتقاء مقام یافت.

در عین حال وجدان جامعه چنان ضربه خورده و واکنش نشان داد که آنان برای اولین بار دیگر نتوانستند همان کاری را که از مدت ها قبل با دگراندیشان می کردند، یعنی کتمان قتل ها یا نسبت دادن آنها به افرادی ناشناس، تکرار کنند. اگرچه این تلاش را در آغاز کردند، اما جامعه پذیرای این توجیهات نبود.

یکی از تماشاگران در رابطه با نحوه ی اطلاع از قتل پرسید. پرستو فروهر در پاسخ گفت که بعد از ظهر آن روز قرار بود جلسه ای سیاسی در خانه ی ما برگزار شود. دوستانی که آمده بودند با درهای بسته مواجه شدند. این قضیه شک آنان را برانگیخت و موجب شد تا از دیوار بالا رفته و در را باز کنند که با اجساد پدر و مادرم مواجه شدند. بلافاصله به پلیس و رسانه های خارجی خبر دادند. اما به قدری شوکه شده بودند که عکسی نگرفتند.

نکته ی مهم در این میان این است که هنگامی که آنها وارد منزل شدند، خانه مرتب بود، اما زمانی که پلیس خانه را به ما تحویل داد، همه چیز به شکل غارت گونه ای آشفته بود. بسیاری از اسناد و مدارک پدر و مادرم را دزدیده و با خود برده بودند.

در متن نمایش قطعاتی از گفته های متهمان برگرفته از برگه های بازجویی که به شکل ۱۳ پرونده در اختیار پرستو فروهر و وکلایش قرار گرفته شده بود، خوانده شد. گفتنی است که پرستو فروهر و وکلایش به هیچ وجه حق کپی گرفتن از این مدارک را نداشتند. این مدارک نشان می داد افرادی که متهم شده اند، از مقامات بالاتر دستور گرفته اند. از جمله نام "دری نجف آبادی" نیز به عنوان صادرکننده ی دستور قتل در گفته های متهمان آمده بود. در بین اسناد بازجویی، هیچ برگه در مورد

اعترافات سعید امامی وجود نداشت و بخش هایی که در نمایش بازخوانی شد، از مدارکی بود که بعدها در اینترنت انتشار یافته بود.

سوال یکی از حاضرین این بود که آیا پرونده ی قتل فروهرها از نظر دادگستری مختومه اعلام شده؟ پاسخ آری بود. پرستو فروهر در ادامه افزود، ما حتی از طریق مراجع بین المللی این قضیه را دنبال کردیم که در مواردی هیچ خطی هم در جواب دریافت نکردیم. طبق قوانین بین المللی تنها کاری که ما می توانستیم بکنیم این بود که از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل درخواست تحقیق کنیم. تمام مدارک را برای آنان فرستادیم. این پرونده ثبت هم شد، اما پاسخی که آنان دادند، این بود که تمام مدارک را برای مقامات جمهوری اسلامی فرستاده ایم تا پاسخ دهند و تا مقامات ایرانی پاسخ ندهند کاری نمی توان کرد. به نظر من تنها چیزی که می تواند راز این قتل ها را فاش کند، وجود اراده ای سیاسی و قوی است و آن هم همان حرکت و خواست مردم است.

فروهر در پایان گفت، تنها زمانی که حقیقت مشخص شود و عدالت به مفهوم واقعی آن اجرا شود، یعنی من بدانم که آن شب چگونه و به دستور چه کسی قتل پدر و مادر من صورت گرفته و این قتل ها از آغاز چه سیری را طی کرده (نه فقط من، بلکه همه بدانند)، و تنها زمانی که جنایتکاران در جایگاه خود قرار بگیرند (البته برای من مجازات مهم نیست. این مهم است که جنایتکاران به عنوان جنایتکار شناسایی شوند و از قدرت پایین بیایند و در جایگاه واقعی خود قرار گیرند)، در آن لحظه دیگر بار مسئولیت می تواند از دوش من برداشته شود. تنها وقتی گذشته از این حالت معضل دربیاید، واقعیت مشخص شود و عدالت حاکم شود، آینده می تواند باز شود و ادامه یابد. تا آن زمان تنها راه سوگواری این است که این درد را آنقدر بگوییم تا از یاد نبریم. تا بازگویی مکرر آن بتواند برای آشکار شدن حقیقت نیرو جمع کند تا بتوان به جایی رسید و این بار را زمین گذاشت. این بار نه تنها روی دوش من بلکه روی دوش تک تک شماست؛ به خاطر تمام آدم هایی که جان خود را در جنایت های سیاسی از دست داده اند.

بار این جنایت ها را تنها در دادخواهی می توان بر زمین گذارد.